

دست دیو جان بدر برده بودند در زیر شکم گوسفنداها مستور نمودم و خودم هم در وسط پای قوچ تنومند پریشمی مخفی شدم
همینکه طلیعه فجر آشکار شد گوسفندان بقصد چرا از غار خارج شدند دیو بر دهانه آن مواظب نشسته هر گوسفندی که بیرون میرفت به پشت او دست میکشید و نفهمید که در زیر شکم آنها آدمی مخفی شده است

عاقبت بعد از آنکه گوسفنداها همه بیرون رفتند و نوبت به قوچ من رسید پهلوان دستی به پشت او کشید و چون پیش آهنگ گله بود مدتی او را نوازش نمود و بعد او را نیز دنبال سایرین رها کرد
چندانکه بچرا گاه رسیدیم و اندکی از غار دور شدیم من از زیر شکم قوچ بیرون جسته دست و پای رفقارا نیز از شکم گوسفنداها باز کردم و همه بعجله بطرف کشتی روانه شدیم . . .

از منگولومه نهم

محمد سعیدی

از مقالات وارده

تابعیت در ایران

اساس قواعد و مقررات راجحه بتابعیت در ایران دستخطی است که در سال ۱۳۱۳ قمری هجری که مصادف با ۱۸۹۶ میلادیت از ناصرالدین شاه چهارمین پادشاه سلسله قاجاریه صادر شده که قواعد و مقررات مزبوره در فصول ذیل شرح داده میشود

اتباع خارجه که در ایران متولد نشده باشند بر طبق در تحصیل تابعیت بدستیم دستخط برای تحصیل تابعیت باید جامع شرایط ذیل باشند

اولا بسن رشد رسیده باشند

ثانیاً پنج سال متوالی در ایران اقامت کرده باشند
ثالثاً در تابعیت اصلیه خود محکوم بجنایت یا فراری از نظام نباشند
در این صورت درخواست تابعیت بضمیمه اسناد و مدارکی که دال
بر شرایط نلته است بوزارت خارجه تقدیم میشود و اسناد و مدارک مزبور
معمولاً عبارت از تصدیق چند نفر از موثقین و تصدیق اداره نظمیّه است
که اداره تابعیت وزارت خارجه بعد از رسیدگی هر گاه موافقت نمود
پیشنهادی تهیه و پس از امضاء وزیر بهیئت وزراء تقدیم میشود

پیشنهاد تابعیت در هیئت وزراء مورد مذاکره و بحث واقع شده چنانچه
اکثریت وزراء با آن موافقت نمود تصویب نامه صادر میشود و رئیس الوزراء
بوزارت خارجه ابلاغ می کند که بر طبق آن وزارت خارجه ورقه تابعیت
صادر نماید ولی لازم هم نیست که همیشه در خواست کننده واجد شرایط
نلته باشد زیرا اگر دولت ایران درخواست کننده تابعیت را بجهتی از جهات
شایسته داند ولو اینکه مدت اقامت او در ایران پنجسال نباشد ممکن است
تحصیل تابعیت نماید (بند چهارم دستخط) دستخط مزبور هم حقوق محل
ولادت *Jus soli* و هم حقوق وراثت *Jus sanguinis* را اساس تابعیت
قرار می دهد باین معنی که هر گاه طفلی در خاک ایران متولد شود تبعه
ایران شناخته میشود *Jus soli* مگر اینکه ثابت شود که در موقع ولادت
والد یا والدین طفل تبعه خارجه بوده اند که در این صورت هم باستناد
ولادت در خاک ایران طفل بعد از بلوغ بمن رشد می تواند تابعیت ایران
را درخواست نماید (بند اول و بند دوم دستخط)

« اطفالی که بعد از تبدیلی تابعیت پدر متولاً می شوند بالطبع در
تابعیت جدید پدر خواهند بود » *Jus sanguinis* (بند دهم دستخط)

کسانیکه از تبعه ایران خواص خودشان و خواص پدرانشان تبدیل
تابعیت کرده باشند در صورتیکه بخواهند ثانیاً تبعه ایران شوند بدون هیچ
شرط دولت ایران آنها را به تبعیت قبول می نماید (بند پنجم دستخط)

« زنانی که در تابعیت خارجه و در قید زوجیت تبعه دول خارجه هستند دخالت آنها بتابعیت ایران قبول نمی شود مگر آنکه باتفاق شوهر خودشان با شرایط مقررہ بتابعیت دولت ایران داخل شوند » (بند هفتم دستخط) و لازم هم نیست که همیشه تابعیت بموجب تقدیم درخواست و تصویب هیئت وزراء باشد بلکه بر طبق بند چهاردهم:

« کسانی که از ممالک خارجه بمملکت ایران آمده و در مدت اقامت ایران کتم تابعیت نموده و بشمار امور آنها مثل تبعه ایران رسیدگی شده باشد و یادر خاک ایران ملک خریده باشند که این امتیاز مخصوص به تبعه داخله است در اینصورت از تبعه دولت علیه ایران محسوب خواهند شد و ادعای تبعیت خارجه در حق آنها قبول نخواهد کردید »

زنان خارجیکه بتبعه ایران شناخته میشوند ولی بعد از طلاق یا فوت شوهر میتوانند بتابعیت اصلیه رجوع نمایند (بند

ششم دستخط) از دواج کنند از اتباع ایران

تبدیل تابعیت پدر موجب تبدیل تابعیت اولاد او نمی شود خواه اولاد او صغیر باشند خواه کبیر مگر اینکه اولاد کبار یا اولاد صغارش بعد از بلوغ بسن رشد شخصاً درخواست تابعیت نمایند (بند دهم دستخط قسمت اولی)

هریک از اتباع ایران که جامع شرایط ثلاثه ذیل در ترک تابعیت است می تواند تبعیت دولت دیگری را تحصیل نماید

اولاً - در محاکم ایران منہم بجنایت نباشد

ثانیاً - از خدمت نظامی فرار نموده باشد

ثالثاً - مقروض و مقصودش استخلاص از دین نباشد

هرگاه اشخاصی که جامع شرایط مذکورہ نیستند بتحصیل تبعیت خارجه موفق شوند چنانچه بخاک ایران مراجعت کنند با آنها مثل اتباع ایران معامله میشود (بند هشتم دستخط)

و اشخاصی که جامع شرایط نلته باشند وقتی تبعه خارجه میشوند که تابعیت جدیده با اجازه پادشاه تحصیل شده باشد پس هر گاه یکی از اتباع ایران بدون اجازه پادشاه تبعیت خارجه را تحصیل کرد از دخول بخاک ایران ممنوع است و چنانچه در ایران علاقه و ملکیتی داشته باشد مجبور میشود که قطع علاقه نماید (بند نهم دستخط)

زنهای ایرانی که با اتباع خارجه مزاجت کنند از تبعیت ایران خارج و از کلیه حقوقی که اتباع ایران دارند محروم میشوند ولی بعد از طلاق یا فوت شوهر می توانند تابعیت ایران را بتقدیم درخواست تحصیل نمایند (بند یازدهم و دوازدهم دستخط)

برطبق بند ۱۳ دستخط : « کسانی که بپاره اسباب در اختلاف تابعیت بصفه تابعیت ایران شناخته شده و در ادعای تابعیت خارجه هستند تابعیت مدعایها خواه اصلیه باشد خواه مکتسبه اثبات آن ادعا برعهده خود آن اشخاصی است و مادامی که ادعای خود را موافق همین قانون ثابت نکرده اند از جمله تبعه ایران محسوب میشوند » مثل اینکه شخص مدعی باشد که هیچ وقت تبعه ایران نبوده و یا اگر بوده برطبق قواعد و مقررات ایران تبعیت خارجه را تحصیل نموده است در این صورت اقامه دلیل باشخصی است که دعوی تبعیت خارجه را می کند و تا زمانی که اثبات تبعیت خود را نموده است دولت ایران او را تبعه داخلی دانسته و با او مثل اتباع داخله معامله می نماید

این قبیل اختلافات بین اتباع دولت ایران و اتباع دولت آلمان واقع نمی شود زیرا بموجب فصل ۱۷ عهدنامه ایران و آلمان « دولت آلمان متعهد میشود که بهیچ تبعه ایرانی تذکره تابعیت ندهد مگر بشرط صریح اینکه قبل از وقت رضایت دولت ایران تحصیل شده باشد و دولت ایران هم از طرف دیگر متعهد میشود که قبل از تحصیل رضایت دولت آلمان به تبعه او تذکره تابعیت ندهد »

این است اصول دستخط تابعیت که تاکنون در وزارت خارجه مجراست و نظر باینکه وزارت مزبوره لازم می دانست که قانون تابعیت از مجلس شورای ملی بگذرد در تاریخ ۲ اردی بهشت ۱۳۰۴ بدوره پنجم تقنینیه لایحه آنرا تقدیم نمود ولی قبل از اینکه لایحه مزبوره بتصویب مجلس برسد دوره پنجم تقنینیه خاتمه یافت

آینده نفت

بقلم آقای اویسی

- ۲ -

در مقاله گذشته اهمیت نفت و مصرف دائم الزائد آنرا تشریح نموده و معلوم داشتیم که بواسطه محدود بودن مخزن زبرزمینی نفت دنیا و تاثیرات مهمی که این ماده در حیات اقتصادی و اجتماعی ملل دارد - دول بیدار دنیا در سر تولید نفت و تحصیل اراضی نفت خیز چگونه با یکدیگر رقابت نموده و بالاخره کار صنعت و تجارت نفت بجائی نرسید که از سال ۱۲۹۸ ببعد بطلی که ذکر شد - میتوان گفت که نسبت بان « دوره رقابت » سپری و یک « دوره کشمکش و جدال آشکارا » و یا « دوره مبارزه » شروع شده است.

در این دوره رقابتی دیگر از قبیل آلمان و روسیه از میان رفته و در صحنه مبارزه دو پهلوان نامی انگلیس و آمریکائی مشاهده میشوند که عبارتند از: روابال دوچ - شل (طروست (۱) انگلیس و هلندی) استاندارد داویل کمپانی (طروست آمریکائی) . باری بمحضی که کمپانی آمریکائی در صدد تحصیل امتیاز اراضی نفت خیز در خارجه بر آمد یک مانع غیر

(۱) طروست عبارتست از اتحاد و اجتماع چندین کمپانی که برای مقصود واحدی

تشکیل شده و میخواهند موضوع تجارت و یا صنعت خود را در یک ملک تبادله مالک

چندی منحصرأ در دست بگیرند.